

استیضاح وزیرعلوم: زور آزمائی دوجناح برای کنترل دانشگاه ها!

تقی روزه



رابطه رژیم و دانشگاه مثل رابطه مارگزیده و ریسمان سپید و سیاه است. چرا که از همان فردای پس از انقلاب بهمن ۵۷ و تأسیس حکومت اسلامی، درحالی که خمینی و روحانیت تازه به قدرت رسیده هنوز نیات و ماهیت واپسگرایانه و سلطه جویانه خود را عیان نساخته بودند و توهم توده ای گسترده ای نسبت به آنها وجود داشت، رژیم اما درمحیط های دانشجویی خود را در اقلیت یافت و برای فتح سنگردانشگاه ها تهاجم گسترده ای را درپیش گرفت و نهایتا ناچار شد که برای مدتی طولانی دانشگاه و سایر محیط های دانشجویی را تحت عنوان انقلاب باصطلاح فرهنگی تعطیل و از نو تجدید سازماندهی کند.

انقلاب ضدفرهنگی اما اسم شبی بود برای به انقیادکشاندن دانشگاه ها و افکندن افساراسلامی به گردن آن ها. بدون چنین "انقلاب فرهنگی" رژیم هیچگاه قادر نبود که سلطه خود را بردانشگاه ها و محیط های دانشجویی تحمیل کند. با این همه همین سلطه هم متزلزل و آسیب پذیر بود و هر از گاهی ناچار می شد برای زهرچشم گرفتن یورش های وحشیانه ای را به محیط های دانشجویی سازمان دهد. دوره احمدی نژاد مقطع مناسبی بود که حاکمیت و باندهای افراطی-امنیتی، میخ خود را محکم تر بر "تابوت" دانشگاه ها به کوبند و بیشترین تلاش خود را در پادگانی کردن فضای آن ها، تصفیه های فراگیر و گرازکوب کردن به کارگیرند و البته بیشترین موفقیت را در قیاس با دوره قبل، نصیب خود کردند و عرصه را حتی بر جناح های رقیب و هم پیمان خود هم تنگ کردند. با این وجود، همواره جدال های درونی باندهای رژیم که هیچ گاه در کل حیات نظام اسلامی فروکش نکرده اند، در سطح دانشگاه ها نیز بازتاب داشته اند. با پیروزی روحانی و اعتدال گرایان در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، جدال پیرامون کنترل دانشگاه ها باردیگر شدت و حدت تازه ای یافت. چنان که از همان لحظه رأی اعتماد به وزراء دولت جدید یکی از کانون های مهم جدال حول وزیرعلوم و انتصاب های دانشگاهی جریان داشته و جریان حاکم به شدت نگران سست شدن فضای پادگانی در سطح دانشگاه ها بوده است. از این رو باندهای حاکم تمامی تلاش خود را برای آن که مبادا نسیم اعتدال و تغییر ولوجزی در دانشگاه ها بوزد و ناخواسته موجب به حرکت درآمدن لایه

های زیرین نارضایتی انباشته شده در بدنه جامعه دانشگاهی بگردد، بکارگرفته اند. خشم آن ها از برخی گزینش ها و پذیرش برخی دانشجویان ستاره دار و دعوت برخی استادان تسویه شده و نیز افشاء بورس های اهداء شده به آقازاده های باندهای حاکم، چنان است که آن ها رسماً وزیرعلوم را به خاطر آن ها به زیرمهمیزاستیضاح کشانده اند. آن ها شرط انصراف خود از استیضاح را کنارگذاشتن سیاست دعوت از دانشجویان ستاره دار و استادان برکنار شده و دست نبردن به ترکیب کنونی ساختار دانشگاهی و اجتناب از بکارگیری مدایران وابسته به جناح دیگر کرده بودند. (گوا این که نباید فراموش کرد که اجراء این سیاست ها توسط دولت و وزیرعلوم اساساً به شیوه گزینش و جلب نیروهای همگرا با نظام ولی نزدیک به جناح اعتدال گرایان صورت گرفته است). افشاگری های تاکنون صورت گرفته نشان دهنده آن است که باندهای حاکم تاچه حد دانشگاه ها و بودجه های آن را به تیول خود (تیول دایمی) تبدیل کرده و آن را در خدمت کادرسازی و تربیت مدیران از میان اعوان و انصار خود اعم از آقازاده ها و عوامل مزدور خود بکارگرفته اند (جلوه و مصداقی از جلوه ها و مصادیق یک رژیم تماماً رانت خوار).

اهمیت کنترل دانشگاه ها از جهات گوناگونی مطرح است: از یکسو کنترل دانشگاه توسط این یا آن قدرت قبل ازهرچیز باهدف کادرسازی و تربیت مدیران و "اندیشه ورزان متعهدی" است که بدون آن حکومت کردن و کنترل برکشور و بهره برداری از ثروت ها و منابع آن ناممکن است. گوا این که جمهوری اسلامی بدلیل آسیب پذیر بودن در قبال آن چه که به فرارمغزها موسوم است، قادر به حفظ بخش وسیعی از این سرمایه ها نیست و تنها در چندسال گذشته ۲۰۰ هزارتحصیل کرده از کشورخارج شده است. اما این از اهمیت کنترل دانشگاه ها نمی کاهد و باعث نمی شود که رژیم از تلاش خود برای کنترل آن ها، با توجه به کثرت دانشجویان و اهمیت حیاتی تربیت متخصصین وفادار به خود بکاهد و کوتاه بیاید. نکته دوم آن که در شرایط استبدادی و سرکوب فراگیر سیاسی در سطح جامعه حتی برای جناح های رقیب، دانشگاه ها همواره نقش مهمی در تقویت و عضوگیری جناح های سیاسی بخصوص جناح اصلاح طلبان داشته است (نقش مهم تحکیم وحدت درزمان اصلاح طلبان درمطرح شدن و پیروزی آن ها را بیادداشته باشیم). نکته سوم آن که دانشگاه ها علاوه بردوکارکردفوق، همواره نقش مهمی در شکستن فضای اختناق و گسترش و تقویت جنبش های اجتماعی و اعتراضی و اشاعه گفتمان آزادی و برابری داشته اند که بخش مهمی از نگرانی عمیق رژیم از سست شدن فضای پادگانی در دانشگاه ها از همین نقش دانشگاه ها و دانشجویان

پیشرو سرچشمه می گیرد.

نبرد حول کنترل دانشگاه البته بخشی از منازعه همه جناحی و رو به تشدید بین دولت و اصول گرایان شکست خورده در انتخابات پیشین ریاست جمهوری است. چنان که به مرور زمان لحن حملات روحانی و افشاگری او و حامیانش تندتر و خشم آگین تر شده است. سخنان اخیر و بی سابقه روحانی که در آن حریفان خود را بزذل و ترسو خواند و به جهنم حواله اشان داد و در دفاع از موضع خود ابراز داشت که مخالفانش از اتاق فکری به اتاق عملیات نقل مکان کرده اند* ۲ فراز تازه ای در این جدال بی پایان است. بی تردید استیضاح وزیر علوم یکی از مصادیق فعال شدن اتاق عملیاتی است. سخنان غیرمنتظره و پرخاشگرانه روحانی خطاب به مخالفین خود، نشان دهنده آن است که اولاً مخالفان برای فلج کردن دولت اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار داده که او بر آن شده است با هشدار و نهیب و تهدید (افشاگری و گفتاردرمانی) جلوی اقدامات آن ها را بگیرد. اما تعرض روبه گسترش جناح حاکم برای زمین گیر کردن دولت و روندرویدادها تدریجاً به دولت و حامیان آنها می فهماند که به صرفاً به افشاگری و گفتاردرمانی نمی توان اتکاء کرد. بهر صورت برشی از کشاکش دوجناح و کانونی شدن آن پیرامون استیضاح می تواند در مقطع کنونی تصویر روشن تری از توازن قوا و چشم انداز دامنه منازعات بعدی ارائه بدهد. آن چه که بویژه استیضاح کنندگان را مصمم تر ساخته است، سهمیم بودن خامنه ای در نگرانی آن ها پیرامون وضعیت دانشگاه ها و برنامه های وزارت علوم است. نگرانی که بارها به اشکال گوناگون ابراز شده و مدتی پیش خامنه ای صراحتاً در مورد آن به دولت و وزیران عرصه فرهنگی و علوم تذکر داد و نسبت به تبدیل شدن محیط های دانشجویی به محل منازعات و نفوذ جناح ها و احزاب هشدار داد. در راهبرد خامنه ای و جناح حاکم اساساً قرار نیست گشایش در تحریم ها و دیپلماسی هسته ای به نرمش در برابر مردم هم تأویل و تفسیر شود.

البته نتیجه استیضاح بیش از همه به موضع گیری پشت پرده خامنه ای و اصول گرایان میانه رو در مجلس و چانه زنی ها و بندوبست های پیرامون آن وابسته است. اگر روحانی نتواند حمایت ضمنی آن ها را در پشت پرده بدست بیاورد و اگر از بیت رهبری نشانه ای از تمایلی منبئ بر کوتاه آمدن استیضاح کنندگان به مجلس نرسد، چه بسا استیضاح کنندگان علیرغم مخالف های کما بیش وسیع علیه آن و تهدید وزیر علوم به روشنگری رأی خواهند آورد و این پیروزی مسیرگام های بعدی آنها برای افزایش فشار را هموارتر خواهد کرد.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که دولت روحانی برای ایستادگی در برابر فشارهای روزافزون رقبا و پیش برد برنامه های خود، ناچار است که حامیان اجتماعی خود را بسیج کند. او بدون حربه افشاگری و بسیج پایگاه اجتماعی اعتدال گرایان و صرفا با اتکاء به چانه زنی در بالا قادر نخواهد بود که در مقابل تعرض جناح مقابله در آستانه پایان سال اول ریاست جمهوری اش پایداری کند. سعید حجاریان در گفتگویی از لزوم تغییر برخی وزراء بی خاصیت و نیز تغییر صدها فرمانده و استانداردی که از حکومت قبلی هم چنان بر سر کار هستند و با سیاست های دولت اعتدال هم خوانی ندارند سخن به میان آورده است.

وزیر علوم و دولت نیز از حربه افشاء بیشتر اطلاعات پشت پرده (برای مقابله با حربه استیضاح حریف) سخن به میان آورده و در همان حال، گرچه دیر هنگام، سعی کرده است که با بسیج نیروهای دانشگاهی در دفاع از وزیر علوم و عقب راندن استیضاح کنندگان که اساسا بابتکار جناح افراطی و جبهه پایداری است، بهره گیرد. طومارهای حمایت ۱۵۰۰ استاد و ۵۰۰۰ دانشجو از آن جمله است.

گرچه سیاست انبساطی روحانی و وزارت علوم در دانشگاه ها کاملا کنترل شده است و بشدت مواظب اند که این جدال ها تعادل و آرامش (گورستانی) دانشگاه ها را بهم نریزد و موجب تحرک و به میدان آمدن بدنه دانشجویی، مخالفان و جریان های غیروابسته به حاکمیت نگردد و تنها مشمول اصلاح طلبان معتدل گردد، اما این به معنای بی تفاوتی فعالین و بدنه دانشجویی به منازعات و شکاف های فوق نیست. برعکس استفاده هشیارانه دانشجویان و جریانات مستقل و مترقی از فضاهای برآمده از شکاف بالائی ها حائز اهمیت است. بی تردید دانشجویان خودبهبتر از هر کسی با راه و رسم استفاده از این شکاف ها در جهت و خدمت اهداف و خواست های خود آشنا هستند. از نزاع دوجناح برای کنترل دانشگاه ها می توان روزنه ها و رخنه هایی برای تضعیف نسبی کنترل هردو جناح بردان نگاه ها و پیشروی نیروهای مستقل و غیروابسته به حاکمیت یافت.

۱۸-۰۸-۲۰۱۴-۲۷-۰۵-۹۳

نگاه کنید

*-۱۶ آذر و رویش جوانه ها:

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de/۲۰۱۳/۱۲/۱۶.html#more>

نگاه کنید به:

رابطه سازمان یابی افقی و دموکراسی مستقیم و مشارکتی



تقی روزبه

تنها از طریق تقویت عیار دموکراسی مستقیم و با اندازه ای که تاریخا جنبش های طبقاتی-اجتماعی قادر به اعمال آن شده اند توانسته اند علیه نظم موجود برآشوبند و با ایجاد رخنه در سیستم های حاکم و از جمله گسستن نظم هرمی و سلسه مراتبی و کنترل از بالا به پایین جامعه، راهی به سوی آزادی و رهائی بگشایند.

نوشته حاضر* شامل نکات زیر است:

رابطه بین تئوری و پراتیک اجتماعی و ابتدال تئوری وقتی که اصول بجای تحلیل واقعیت های اجتماعی (و از آن جمله جنبش طبقاتی کارگران) می نشیند، حقیقت پیشینی وجود ندارد بلکه توسط انسان در پراکسیس خود آفریده می شود. در این فرایند چه بسا حقایق پیشین بی اعتبار و ملغی می شوند و حقایق نوینی ساخته و پرداخته می شوند، انسان و حقیقت توأمان آفریده می شوند.

- سازمان دهی و سازمان یابی آچارفرانسه نیست که به درد بازو بست کردن هرپیچ و مهره ای بخورد و یک انقلابی هرکار خواست با آن بکند، و لاجرم با هر جامعه ای اعم از هرمی و یا افقی همساز باشد. برعکس سازمان یابی در اساس، خود مناسبات است و بازتابی است از نوع مناسبات جامعه و انسان ها. بهمین دلیل چگونگی سازمان یابی خود یکی از مهم ترین وجوه مبارزه طبقاتی در جهت رهائی و یا انقیادسازی است و لاجرم بسته به نوع و جهت گیری آن، ردپای انقیاد یا رهائی در آن حک شده است. چرا که قرابت و پیوند ناگسستنی بین

سازمان یابی های عمودی و مبتنی بر رهبری و سلسه مراتب با جامعه طبقاتی و ساختارهرمی آن وجود دارد و نظام جامعه طبقاتی بدون چنین چفت و بستنی قابل دوام نیست و اساسا قدرت بدون ساختاربندی قابل اعمال کردن نیست. همانطور که پیوندناگستنی بین سازمانی یابی افقی و جامعه سوسیالیستی و غیرهرمی وجود دارد و برپائی جامعه سوسیالیستی بدون حذف سلسه مراتب قابل تصور نیست. از همین رو لازم است که از نگاه تکنیکی- ابزاری به سازمان یابی و اندیشه ماکیاولی هدف وسیله را توجیه می کند فاصله بگیریم و فراموش نکنیم که جامعه طبقاتی، ساختارهرمی آن و دموکراسی نیابتی و تفویض شده همزادیک دیگرند. همانطورکه مناسبات افقی و دموکراسی مستقیم و فراگیردرهمه حوزه ها (اعم از اقتصادی و سیاسی و سایر سطوح اجتماعی) و جامعه سوسیالیستی به عنوان یک جامعه بدیل، همزادهم بشمارمی روند.

- فرایندتحقق دموکراسی مستقیم به مثابه یکی از مهمترین مشخصات جنبش های نوین رهائی بخش از قیدوبندهای سرمایه است که بدون درک و تقویت آن امکان پیوندبا این جنبش ها وجودندارد. و نتیجه بی توجهی به آن به معنای تبدیل شدن چپ به فرقه هائی درخود است. جامعه آزاد و همبسته، جامعه ای که در آن تضادفرد و فردیت با جمع و جامعه از حالت تقابل (آنتاگونیستی) بیرون آمده و به عامل مکمل و تقویت کننده یکدیگر تبدیل می شوند، مستلزم درک سه فرایافت رابطه آزادفرد و جمع در اندیشه پایه ای مارکس و در پرتو تجارب صورت گرفته دراین فاصله زمانی، اهمیت انقلاب و اقدام مستقیم توده ای در ایجادتغییرات ژرف و تحولات تاریخی و بالأخره موکراسی مستقیم و مشارکتی است. در شرایطی که نظام سرمایه داری بطورتوآمان دچاربحران ساختاری اقتصادی و بحران ساختاری "دمکراسی" است، اهمیت این فرایافت ها برای آن که نیروهای چپ و کمونیست ها بتوانند به بخشی پیشرو و مؤثر و به هنگام، در جنبش های نوین تبدیل شوند حائزاهمیت است.

- مفاهیم کلیشه شده و فرامکانی و زمانی، حاصل جداشدن تجربه ها و رویکردهای مشخص از بسترزمانی و مکانی خوداست، موجب تجرید و غیرانضمامی شدن آن تجارب گشته و بیش از آن مانع نقدرادیکال با توجه به پی آمدهای آن می گردد. ضرورت نقدتجربه شوراهها و کمیته ها و کمون ها و یا نوع سازمان یابی های حزبی و یا تشکل های غیر حزبی قرن بیستم، همه و همه بخشی از فرایندکلیشه زائی و قراردادن این مقولات در جایگاه واقعی و تاریخی خوداست. به عنوان نمونه نسبت شوراهها با فرایافت دموکراسی مستقیم و درک محدودیت های آن برای برخورد زنده با واقعیت ها و دورشدن از ابتذال تئوری و آئین گرائی

یکی از این ضروریات است .

- تغییر کیفی جایگاه و ظایف احزاب و سازمان های انقلابی در پارادایم دموکراسی مستقیم. نیز یکی دیگر از این خانه تکانی هاست.

مارکس زمانی گفته بود تباهی و ابتذال تئوری وقتی شروع می شود که اصول جایگزین واقعیت های اجتماعی (جنبش مبارزه طبقاتی) و تحلیل مشخص گردد. در چنین حالتی تئوری بجای آن که بازتاب انکشاف واقعیت های اجتماعی باشد، بدلیل قطع شدن رابطه زنده وارگانیک آن با واقعیت ها و پراتیک اجتماعی به سدی در برابر آن تبدیل می شود و لاجرم به امری آئینی و مذهب گونه. وضعیت تئوری در نزد کسانی که در آن "اصول" تبدیل به نقطه عزیمت تحلیل مشخص و جایگزین واقعیت های اجتماعی میشود، مصداق بارزی از همین سخن است. گرچه مثل همه این گونه جریان ها در جوامع بشری، چپ فرقه ای رویکرد خویش را - البته به شیوه خود- با پوشش ایدئولوژی و ادعای وفاداری به مارکس و اصول توجیه می کند، اما غافل از آن که وفاداری به مارکس قبل از هر چیز در تاسی به شیوه علمی او معنا می یابد و نه داشتن نگاه ایستا و تبدیل کردن تجارب و ارزیابی های او به کلیشه های مقدس. همانگونه که اشاره شد کلیشه شدن به معنای منتزع شدن مفاهیم، نظرات و پراتیک یک دوره از بستر زمانی و مکانی خود و تبدیل آن ها به امری فراتاریخی، مطلق و صائب برای همه زمان ها است. که در این صورت جزغلبه اندیشه مردگان بر زندگان و گذشته بر آینده نخواهد بود. معنای عملی آن نیز چیزی جز آئین پرستی و بتوارگی (فتیشیسم) مقولاتی که گویا دارای اعتبار جاودانی هستند نیست. و البته چپی که اندیشه ها و نظراتش بازتاب دهنده واقعیت های متحول طبقاتی نباشد، نخواهد توانست به مثابه نیروی پیشرو در صحنه مبارزه طبقاتی ظاهر شود. برعکس او از پندارها والگوواره هایی دفاع خواهد کرد که مربوط به گذشته است و ربطی به مبارزه طبقاتی زنده وهم اکنون جاری ندارد. و حال آن که در روش شناسی مارکس مبنای قرارداد واقعیت های اجتماعی و جنبش های طبقاتی- اجتماعی و خیره شدن به واقعیت های زنده و متحول مبارزه طبقاتی و رصد کردن گرایش های پیشروتاریخی و مشارکت فعال در تغییر جهان، شرط لازم برای پیشروی بسوی رهائی کارگران و زحمتکشان از تاروپود نظام طبقاتی و بطور اخص جامعه سرمایه داری است. در نزد او جنبش طبقاتی کارگران و نه این یا آن تئوری مهمترین واقعیت جامعه طبقاتی و نظام سرمایه داری را تشکیل می دهد و جنبش کمونیستی هم قبل از هر چیز در پیوند با آن و برخورد انتقادی با آن معنا پیدامی کند و نه در ایجاد دسته جات و فرقه های در خود و مدعی

نجات بشریت. این جنبش‌ها البته با شدت و ضعف همراهند و گاه بطور آشکار عرض اندام می‌کنند و گاه به شیوه پوشیده و خزانده، اما بهر حال صرف نظر از شدت و ضعفشان جاری هستند و مشغول نقب زدن به تاریخ، و تئوری نیز توضیح دهنده ماهیت و واقعیت وجودی آن‌ها است. با این همه چه فرقه‌ای و کلیشه‌پرداز، درست بدلیل چسبندگی اش به کلیشه‌ها و گره زدن هویتش با آن‌ها، با جنبش‌های جدید و مبارزه طبقاتی در اشکال نوین و پویای خود، احساس بیگانگی می‌کند. برای آن‌ها چون این جنبش‌ها فاقدره‌بری و ستاد فرماندهی بوده و مغایر با الگوهای سازمانی مورد نظرشان هستند، و به راهبردها و رهنمودهایش بی‌اعتنایند، موجوداتی معیوب و ناقص الخلقه و بی‌آینده محسوب می‌شوند. و این درحالی است که از قضا یکی از پیش‌زمینه‌های عروج این جنبش‌ها در بیرون از حیطه این نوع رویکردها و جریان‌ها، پس از آشکار شدن سترونی کامل مدعیان این نوع سازمان‌یابی‌ها صورت گرفته است!

یکی از متحول‌ترین و پویاترین عرصه‌های مبارزه طبقاتی، به نحوی که هم برگرفته از درس‌های تجارب ناکام گذشته باشد و هم در انطباق با آخرین دست‌آوردهای بشر، چگونه سازمان‌یابی جنبش‌هاست. بدون وجود سنخیت لازم بین نوع سازمان‌یابی و اهداف رهائی‌بخش، امکان تحقق آن هدف‌ها وجود ندارد. مبارزه برای تحقق سوسیالیسم بدست کارگران، به عاملین و سوژه‌های خودرهان نیاز دارد و نه به سیاهی لشکر دنباله‌رو و زائده وار. و از این منظر چگونگی سازمان‌یابی روشن می‌کند که بدنبال چه هستیم: تجمع‌های توده‌وار تحت کنترل رهبران و نخبگان و به مثابه سیاهی لشکر و یا هم چون فاعلینی که در پراتیک اجتماعی و آزمون و خطای آن، خویشان را هم چون سوژه‌های خودرهان می‌آفرینند. از همین رو سازمان‌یابی در جوامع طبقاتی و چگونگی آن نمی‌تواند امری فنی و فراطبقاتی باشد. برعکس در ارتباط و در انطباق با نوع مناسباتی که از آن دفاع می‌کنیم با رویکردهای گوناگونی مواجهیم. تا آنجاکه به رویکرد مورد نظرما- مناسبات سوسیالیستی و بدوراز سلطه انسان بر انسان مربوط می‌شود- این نوع سازمان‌یابی باید بتواند به کارگران و زحمتکشانشان به مثابه گورکنان نظام سرمایه‌داری تعیین بخشد. چگونه و در کدام نوع سازمان‌یابی کارگران و زحمتکشانشان می‌توانند به گورکنان نظام سرمایه‌داری تبدیل شوند؟ بی‌اعتنایی به ظرفیت‌های نهفته در سازمان‌یابی‌های افقی در این راستا، سبب آن می‌شود که فرقه‌های چپ بجای ایفاء نقش پیشرو در صفوف جنبش‌ها، در انتهای صف تحولات قرار بگیرند و منتظرمانند تا مگر با فرود پتک واقعیت‌ها، به هوشیاری تاریخی

نائل آیند. سخن مارکس مبنی بر اینکه تفسیرجهان کافی نیست باید آن را تغییرداد، ناظربر اهمیت پراتیک اجتماعی و نقش جنبش های طبقاتی-اجتماعی است که تئوری باید بتواند آن را بازتاب دهد. با این همه در نزدفرقه ها این رویکرد در جهتی وارونه فهمیده می شود: تغییرجهان بر طبق "اصول" و باورهای فرقه ها.

البته تأکیدبر اهمیت مبارزه طبقاتی استثمارشوندگان و جنبش های طبقاتی-اجتماعی، به معنای آن نیست که همه آن چه موجود است مبارزه طبقاتی ناب وعلیه مناسبات بورژوائی است. برعکس مبارزه طبقاتی زحمتکشان از دل انبوهی از پیچ وخم های مناسبات تبعیض آمیز جوامع طبقاتی، و علقه ها و توهمات آن سربرمی آورد و با پالایش از آن ها به پیش می رود. از همین رو برخوردانتقادی با واقعیت های پیشارو و تقویت گرایش های پیشرو و رهائی بخش در آن، جزئی از سرشت مبارزه طبقاتی است.

خلاصه آن که "چگونه سازمان یابی" از پویاترین عرصه های مبارزه طبقاتی است. از همین رو تقلیل آن به یک امر فنی و شکل واره و یا الگوبرداری از اشکل مسلط و متداول جوامع سرمایه داری که کارکرد آن ها، پاسداری از اقتدار و سلطه سرمایه از اساس نادرست می باشد. نباید فراموش کنیم که قدرت- قدرت جدا و بیگانه شده از تولیدکنندگان- برای اعمال خود، نهادینه شدن و کنترل جامعه، ضرورتاً باید خود را ساختارمندکند. این تصور و یا ادعا که گویا در طی یکصدوپنجاه سال گذشته هیچ تغییرمعنا دار و مشهودی در آن ها صورت نگرفته است ربطی به پویش مبارزه طبقاتی و یا اندیشه های پایه ای مارکس و سایر کمونیست های پیشرو ندارد. و البته برای چپ فرقه ای و کلیشه پرداز، گوئی که قوانین آهنین و لایتغیری در سازماندهی برای همه زمان ها جود دارد. البته سنگرگرفتن در پشت اشکال کلیشه شده، در کنه خود جز اقتباس از نظام سلسه مراتب جامعه طبقاتی نیست و این چپ با اتخاذچنین رویکردی بجای مشارکت فعال در تغییرجهان و متحول کردن خود، فقط خویشتن را خلع سلاح و بلاموضوع می کند. آن چه که او را به این نقطه می رساند جز پاسداری از منافع فرقه ای و درک فرقه ای از مبارزه طبقاتی نیست.

در این جا برای روشن شدن پویه مبارزه طبقاتی در امرسازمان یابی و چگونه سازمان یابی، نگاهی به سه نکته پایه ای در اندیشه های مارکس و کمونیست های وفاداربه مبارزه طبقاتی خالی از فایده نیست. نکاتی که لااقل برحسب ادعا موردقبول اکثرچپ ها است و لاجرم برای کائنات ذهنی و بسته آن ها چالش برانگیزاست:

اولین فرایافت رابطه فرد و جمع است. در این رویکرد مارکس ضمن آن که درک فرد بنیاد و آنتاگونیستی بین منافع فرد و جمع در جامعه را که زیربنای اندیشه لیبرالیسم را تشکیل می دهد موردنقد همه جانبه قرار میدهد و آن را به چالش می گیرد، اما فردیت (تکینگی) در جامعه بدیل مورد نظرا و نفی نمی شود (و برخلاف تصور جمع گرایان تمامیت خواه در متن جامعه انحلال پیدانمی کند) بلکه بجای رابطه آنتاگونیستی بین فرد و جمع در جوامع طبقاتی، او از رابطه خلاق و آزاد و دوجانبه فرد و جمع سخن می گوید. رابطه ای که سبب رشد و غنای فردیت آزاد از یکسو و اجتماعی شدن بیشتر از سوی دیگر می گردد. عبارت معروف و پرمعنای مانیفست (و البته نه فقط مانیفست) در باره جامعه نوین و رابطه فرد و جمع هنوز هم پرطنین است: جامعه ای که در آن رشد آزادانه هر فرد، شرط رشد آزادانه همگان باشد. به گمان من تأمل بر این فرایافت بویژه وقتی که با تأمل بر تجربه قرن بیستم همراه شود، برای درک اهمیت رابطه برابر و آزاد انسان ها و گسستن از هر نوع مناسبات و سازماندهی هائی که آن را برنمی تابند و مبتنی برسلسه مراتب هستند کافی است. مبارزه از همین امروز برای استقرارچنین مناسباتی در بین انسان ها و در تمامی سطوح جامعه، ضروری است و حواله دادن آن به آینده ای موهوم (آخرالزمانی؟!) جزتن دادن به سازوکارها و مناسبات جامعه طبقاتی نیست و اساسا آینده از دل آن چه که امروز کاشته می شود کشته خواهد شد.

ب- دومین فرایافت، انقلاب و اهمیت اقدام مستقیم توده ای است. چپ معمولا در مقام سخن از اقدام مستقیم دفاع می کند. اما آیا می توان آن را دفاعی پیگیر به همراه الزامات و پی آمدهایش دانست؟ به گمان من دفاع پیگیر از دموکراسی مستقیم می تواند بسیاری از کلیشه های چپ فرقه ای را به چالش بکشد:

اقدام مستقیم توده ای به معنای آن است که کارگران و زحمتکشان و جامعه به تنگنارسیده در مقابل چشمان همه دست بکار می شوند و صفحه تاریخ را ورق می زنند و به نقش آفرینی در ابعاد کلان می پردازند. اما نقش آفرینی مزبور به معنای خاموش بودن موتور مبارزه طبقاتی در دوره های پیشاانقلابی نیست. حتی در این دوره ها نیز ما بدرجات گوناگونی با مبارزه طبقاتی مواجه هستیم که باندازه ای که وجود دارند تأثیر خود را بر تحولات جامعه می گذارند (مثلا در تشکیل مجامع عمومی کارخانه ها و درسایر عرصه های مختلف اجتماعی چون زیست محیط و انواع تبعیض ها). در هر سطحی از مبارزه وقتی زحمتکشان وارد صحنه می شوند، شکلی از مبارزه برای اعمال دموکراسی مستقیم را به نمایش

می گذارند. اشکالی که زمینه های گام های تاریخی را ولو در سطح میکرو و نامشهود رقم می زنند و هم چنین بسترگام های کلان درمقاطع انقلابی را. علاوه براین وقتی توده ها در دوره های انقلابی پا به میدان می گذارند و به نقش آفرینی در ابعادکلان می پردازند به معنی آن نیست که پس از انجام نقش تاریخی خویش به خانه های خود برگردند و نخبگان را بجای خویش به نشانند، گویانکه تمامی تلاش ضدانقلاب برای آن بکارگرفته شود. نباید فراموش کنیم که انقلاب عالی ترین شکل مبارزه طبقاتی است که با هدف کنارزدن تمامی اشکال کهنه ای که مانع مداخله مستقیم کارگران و شهروندان در زندگی اجتماعی خود هستند شناخته می شود. و البته کمونیست ها و مدافعان جنبش های مردمی نیزعلی القاعده، همواره از حامیان پروپاقرص دخالت مستقیم و استمرار و حفظ دست آوردهای آن در برابرتهاجم ضدانقلاب، پس از فروکش دوره های انقلابی بوده اند.

ج-سومین فرایافت دموکراسی مستقیم و مشارکتی است. گرچه عموماً دوره های انقلابی تجلی عالی ترین شکل بروز دموکراسی مستقیم محسوب می شوند، اما دموکراسی مستقیم فقط محدود به آن مقاطع نیست بلکه مربوط به اداره جامعه توسط خود کارگران وزحمتکشان است که اوج خود را در خودحکومتی پیدامی کند. چپ ها لاقلاً در مقام سخن همواره از مدافعان پیگیرتعمیق دموکراسی یعنی فراتررفتن از دموکراسی صوری ودموکراسی نمایندگی به دموکراسی مستقیم و مشارکتی (درتمامی حوزه های اجتماعی) بوده اند. معنای این سخن آن است که تحقق دموکراسی مستقیم و بی واسطه مولدین ثروت و قدرت، هدفی بوده است که کمونیست ها همواره در چهارچوب امکانات تاریخی، برای آن مبارزه کرده اند. آن ها همواره مدافع این نوع دموکراسی در برابردموکراسی صوری و با واسطه بورژوائی که دموکراسی مستقیم و فراگیر را امری خطرناک می دانسته اند، بوده اند. از قضا باندازه ای که جنبش های اجتماعی و بهراه آن ها کمونیست ها بر روی این نوع دموکراسی پافشاری کرده اند، توانسته اند وجوه مردمی واجتماعی دموکراسی را به بورژوازی تحمیل کنند و گرنه "دموکراسی" بورژوائی در ماهیت خود جزتبعیض سازمان یافته وحکومت اقلیت مرفه و سرمایه دار بر اکثریت ندار و استثمارشده نیست. در واقع دموکراسی مستقیم بهترین بستر و کانال برای جاری شدن مبارزه طبقاتی خارج از سازوکارهای کنترل طبقات حاکمه است و بهمین دلیل هم ذاتاً -مگربشپوه کنترل شده وقطره چکانی -خطرناک محسوب می شود. فرایند دموکراسی مستقیم-در تمامی حوزه ها و سطوح خردوکلان اجتماعی- بستری است که در آن کارگران و توده های زحمتکش خویشتن را به مثابه سوژه های خود رهان می آفرینند و نقاط

اشتراک و هم چنین تمایزات خود را نه فقط با دشمنان نشان پیرامون تضاد منافعشان بلکه همچنین در میان خود هم طبقه ای ها با تنوعات و تفاوت های بی شمار در می یابند و به تقویت منافع و وجوه مشترک و هم چنین غنا بخشیدن به تعینات فردی و گروهی و جنسیتی و... خود می پردازند. در این معنا تعین طبقاتی، داده ای یکدست و از قبل موجود نیست که همه باید در قالب آن ذوب و یکدست بشوند، بلکه امری است در حال شدن و رنگین کمان که بر اساس اشتراکات و تمایزات فردی و گروهی و دربرگیرنده منافع همه آنها ساخته و پرداخته می شود. گرچه با خود آگاهی کارگران و زحمتکشان به هستی اجتماعی خود، درعین حال زمینه های نفی آن نیز فراهم می می شود (پرولتاریا درعین حال از منافع کل بشریت و نوع انسان دفاع می کند و هدفش عبور از تقسیم جامعه انسانی به طبقات است). تردید نکنیم که اگر قرار بود مطالبات و اراده استثمارشدگان بطور مستقیم و بی واسطه جاری شود (و یا آن ها قادر به اعمال دموکراسی مستقیم بودند)، نظام طبقاتی و دستگاه های اتوریته آن ها حتی یک روز هم دوام نمی آوردند. تداوم استثمار بدون وجود ماشین دولتی و انواع و اقسام دستگاه های قهرعریان و غیرعریان و انحصار وسائل فرهنگی و ایدئولوژیکی و سازماندهی های استوار بر سلسله مراتب و از بالا به پائین امکان پذیر نیست. دشواری چپ فرقه ای آنست که قادر به فهم رابطه بین سازماندهی عمودی و جامعه طبقاتی، استثمار و دموکراسی صوری (و غیرمستقیم) و نیز رابطه تنگاتنگ سوسیالیسم و دموکراسی مستقیم و مشارکتی نیست. و فراتر از آن، سازماندهی عمودی و مبتنی بر سلسله مراتب را به بخشی از هویت وجودی و ارزشی خویش تبدیل کرده است! و حال آن که باردیگر باید با صراحت اعلام داشت که تحقق سوسیالیسم بدون دموکراسی مستقیم و مشارکتی و بدست خود کارگران و زحمتکشان و بدون آن که همچون سوژه ها و فاعلین و سازندگان سوسیالیسم در صحنه ظاهر شوند قابل درک نیست (بهتراست یک باردیگر سرودانترناسیونال را با عنایت به همین مساله مرور کنیم تا معلوم شود چه آتشی در دل آن نهفته است). پیش فرض مارکس در پروژه سوسیالیستی اش، دموکراسی مستقیم بوده است ولو آن که ظرفیت های زمانه وی مثل هر مورد دیگری، تحقق پروژه او را مشروط می کرده است. اما این که بخواهیم این عوامل محدودکننده را بخشی از عناصر ذاتی این پروژه بدانیم البته جز التقاط آن با نظامی که در صدنی آن است نیست. تفاوت کیفی وجود دارد بین کسی که برای دموکراسی هرچه مستقیم تر مبارزه می کند و در این راستا محدودیت هائی به او تحمیل می شود و او دایما در ستیز با آن محدودیت ها قرار دارد با کسی که این محدودیت را تئوریزه کرده و آن را به هویت خود تبدیل می کند. این که در کجا ایستاده ایم بسیار مهم است. در

مبارزه طبقاتی همواره دوطرف اصلی وجود دارد و همیشه مبارزه ای تنگاتنگ بین دوطرف (و از جمله در حوزه سازمان یابی) جاری است: از یکسو برای اعمال دموکراسی از پائین و نقش آفرینی مستقیم از جانب کارگران و همه استثمارشوندگان و از سوی دیگر برای درهم کوبیدن خودکنشگری آن ها و یاد آوری خط قرمزهای نظام حاکم. همانطور که اشاره شد وقتی کارگران برای اعتراض به صحنه می آیند، که فراوان می آیند، در گوهرخودجزنمایشی از اعمال دموکراسی مستقیم و مداخله مستقیم نیست. و این هم بدیهی است که کمونیست ها و سایر مخالفان سیستم، کفه اقدام مستقیم را تقویت کنند. آن ها نمی توانند با بازی در دوساط تخم مرغ های خود را در دوسبد به چینند. در هر مبارزه و اعتراضی همواره بدرجاتی زمینه های مناسبی برای فراتر رفتن و تقویت اعمال بیشتر دموکراسی مستقیم بوجود می آید که به نوبه خود بستری است برای پرورش کارگران در مکتب مبارزه و در جهت اعمال دموکراسی مستقیم در اشکال عالی تر. با این وجود بدلیل سنگینی کفه برخی کلیشه ها و یا منافع فرقه ای، هستند کسانی که هنوز هم بین سازمان یابی افقی یعنی ظرف مناسب برای اعمال دموکراسی مستقیم و سازمان یابی عمودی یعنی ظرفی مناسب برای اخته کردن دموکراسی و مبارزه طبقاتی سرگردانند.

نتیجه گیری:

اولهرسه این عرصه ها - رابطه آزاد وهمبسته فردو جمع، اقدام مستقیم توده ای در مقاطع انقلابی و نیز دموکراسی مستقیم ومشارکتی به مثابه رویه ای نه مقطعی و موردی بلکه پایدار و فراگیر در اداره جامعه (خودگردان) - هر کدام از جهتی با نوع مناسبات اجتماعی که انسان ها با هم برقرار می کنند ولاجرم نوع و چگونگی سازمان یابی آن ها، و کم و کیف اعمال دموکراسی مرتبط هستند. تنها از طریق تقویت عیار دموکراسی مستقیم و باندازه ای که تاریخا جنبش های طبقاتی - اجتماعی قادر به اعمال آن شده اند توانسته اند علیه نظم موجود برآشوبند و با ایجاد رخنه در سیستم های حاکم و از جمله گسستن نظم هرمی و سلسه مراتبی و کنترل از بالا به پائین جامعه، راهی به سوی آزادی و رهائی بگشایند. ثانیاً در متن آن به تحکیم دست آوردهای خودپرداخته و به ابداع و آفرینش اشکالی از سازمان یابی ها موفق شده اند که ظرفیت های بالقوه نهفته تاریخی برای تقویت دموکراسی مستقیم را فعلیت بخشند. حتی تقویت دموکراسی های غیرمستقیم و تحمیل آن به طبقات حاکمه نیز از دیگر دست آوردهای مداخله و اقدام مستقیم، یعنی از طریق اعمال دموکراسی مستقیم توده ها (از طریق

انقلاب و اعتراضات توده ای...)) بوده است. ناگفته نماند که این نوع جهش های تاریخی نه فقط بورواژی را غافلگیر کرده است بلکه حتی بارها کمونیست ها را نیز بدرجاتی غافلگیر کرده است.

دموکراسی مستقیم و کمون ها و شوراها

درواقع کمون ها و شوراها از آن نوع سازمان یابی ها بوده اند که در چهارچوب امکانات و ظرفیت های تاریخی خود توانسته اند یک گام بزرگ از دموکراسی محدود و نیم بندزمانه خود (و نه الزاما درمقیاس روسیه) فراتررفته و مجامع مستقیم خود را در کارخانه ها و یا محلات بوجود آورند و با طرح اصل فراخوانی و تمهیدات دیگر برآن بوده اند که حتی الامکان خودمختاری نمایندگان را نیز تحت کنترل خودبگیرند. این کمون ها و یا شوراها درست باین دلیل و باندازه ای که حامل دموکراسی مستقیم بوده اند (و حتی به اندازه ای که توانسته اند اراده و خواست مجامع خود را به نمایندگانشان تحمیل کنند و آن ها را تحت کنترل خویش بگیرند) یک حرکت نوتاریخی و گشاینده محسوب می شده اند. گرچه آن ها از محدودیت های خود نیز رنج برده اند. در همان حال به اندازه ای که خود را در تاروپودنظام نمایندگی و اتوریته های جداشده از خود سازمان داده اند التقاطی بوده اند و سرانجام نیز بهمین دلیل از تک و تا افتاده اند. بدیهی است که امروزه سازمان یابی های از نوع شوراها و یا کمون ها و نظایرآن تنها می تواند با برداشتن گام های هرچه بیشتری در جهت اعمال دموکراسی مستقیم، با استفاده از ظرفیت های نهفته در جوامع کنونی، معنا داشته باشند. خلاصه آن که سازمان یابی افقی یکی از ویژگی های مهم جنبش های اجتماعی-طبقاتی نوین است که بدون درک اهمیت و جایگاه تاریخی آن، درک ما از مبارزه طبقاتی و از مقوله دموکراسی مستقیم و مشارکتی و جهان دیگری که می تواند برشالوده آن ساخته شود ناقص خواهد بود. چراکه نقش آفرینی کارگران و همه استثمارشوندگان به مثابه سوژه های خودرهان و خودکنشگر در گرو آن بوده و بدون آن قابل تصویرنیست. معنای دیگرآن این است که عصرسوژه گی احزاب و نخبگان و رهبران و امثال آن ها-سوژه گی درمعنای جایگزین اراده کارگران و زحمتکشان شدن- در چنین فرایندی بلاموضوع گشته و باید در ارتباط با چنین فرایندی به بازتعریف کارکرداین گونه تجمعات و تشکل ها پرداخت. آن ها وجود خواهند داشت اما نه در نقش رهبر و یا "حزب سوژه گی" تا کنونی، بلکه با ماهیتی دگرگونه و در خدمت تقویت مردم سوژه گی و توان خودرهای آن ها.

*- اصل این نوشته چندسال پیش در برخی سایت ها انتشار یافته است. اما بدلیل ضرورت بحث و گفتگو حول این مسائل و مختصات پارادایمی که جنبش های نوین حامل آنند، با تغییراتی همراه یک مقدمه انتشار مجدد می یابد

با من از دریا بگو، تازه ترین فیلم رضا علامهزاده

اطلاعیی "بنیاد سینمایی برداشت ۷"
برای رسانه های فارسی

بیائیم یادمان کشتار ۶۷ را هرچه باشکوه تر برگزار کنیم

"بنیاد سینمایی برداشت ۷" که در کارنامه ی پر بار هنری اش بیش از ده فیلم داستانی و مستند و نمایش، از جمله "میهمانان هتل آستوریا"، "جنایت مقدس"، "مصدق" و "تابوی ایرانی" به چشم می خورد، افتخار دارد نمایش سراسری تازه ترین اثر این بنیاد، فیلم مستند/داستانی "با من از دریا بگو"، را اعلام کند.

"با من از دریا بگو"، تازه ترین فیلم "رضا علامهزاده" به تهیه کنندگی "بیژن شاهمرادی" و با موسیقی "اسفندیار منفردزاده" تا کنون به "جشنواره جهانی فیلم مونترال" (کانادا) و "جشنواره جهانی فیلم مستند فلوریدا" (آمریکا) راه یافته، و اولین نمایش جهانی اش را همزمان با آغاز هفته ی سالگرد کشتار ۶۷ در تاریخ جمعه بیست و دوم آگوست ۲۰۱۴ در جشنواره جهانی فیلم مونترال برگزار خواهد کرد که نمایش آن برای سه روز متوالی در جشنواره ادامه خواهد یافت (۳۱ مرداد تا دوم شهریور ۱۳۹۳)

خانم شیرین عبادی، چهره ی سرشناس دفاع از حقوق بشر و برنده ی جایزه صلح نوبل، دعوت "بنیاد سینمایی برداشت ۷" را برای حضور به همراه کارگردان و تهیه کننده در اولین شب نمایش این فیلم در جشنواره مونترال پذیرفته اند، و در پایان نمایش سخنانی در ارتباط با فاجعه ی کشتار ۶۷ ایراد خواهند کرد.

نمایش "با من از دریا بگو" در "جشنواره جهانی فیلم مستند فلوریدا" در روز شنبه سیزدهم سپتامبر در دو نوبت خواهد بود که اطلاعات مربوط به حضور فیلم در این جشنواره به زودی در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت.

یاران و فعالان حقوق بشر در شهرهای مختلف جهان از دیرگاه در تلاش برگزاری جلساتی مشابه‌اند تا یادمان کشتار ۶۷ را همراه با نمایش فیلم "با من از دریا بگو" هرچه با شکوه‌تر برگزار کنند. با سپاس از تلاش انسانی این همراهان، لیست

شهرهایی که تا کنون برنامه‌ریزی‌شان به سرانجام رسیده، اعلام می‌شود:

گوتنبرگ (سوئد) - شنبه ۲۳ آگوست

Saturday August ۲۳, ۱۷:۰۰ pm

Karlgustavsgatan ۵۴B – Göteborg

فرزنو - یکشنبه ۲۴ آگوست

Fresno. California Sunday August ۲۴

www.iraniancultureandartclub.com

استکهلم - یکشنبه ۲۴ آگوست

Sunday August ۲۴, ۱۸:۰۰ pm

ABF Spelanaden ۳C – Sundbyberg

فرانکفورت - جمعه ۲۹ آگوست

Frankfort, Germany Friday August ۲۹

(۰)۱۷۶۳۲۴۸۵۱۳۸

ونکوور - شنبه ۳۰ آگوست

Vancouver Saturday August ۳۰

(۶۰۴)۹۸۸-۹۲۶۲

Hadi@shahrgon.com

تورنتو - شنبه ۶ سپتامبر

Toronto Saturday September ۶

news@shahrvand.com

آتلانتا - یکشنبه ۷ سپتامبر

Atlanta Sunday September ۷

(۷۷۰) ۸۴۶-۰۹۳۳

دالاس - یکشنبه ۷ سپتامبر
Dallas. Sunday September ۷
(۲۱۴)۲۴۳-۳۱۰۲

اورلاندو - یکشنبه ۱۴ سپتامبر
Orlando. Sunday September ۱۴
(۴۰۷)۳۲۷-۲۱۸۴

نیویورک - شنبه ۲۰ سپتامبر
New York. Saturday September ۲۰
(۷۱۸) ۳۰۹-۱۹۹۶

مادرید - سه شنبه ۳۰ سپتامبر
Tuesday September ۳۰, ۱۹:۰۰
Ateneo de Madrid
Tel: ۹۱ ۴۲۹ ۱۷ ۵۰
C/ Prado ۲۱
.۲۸۰۱۴ Madrid

برای اطلاعات بیشتر و کاملتر می‌توانید به سایت رسمی فیلم مراجعه کنید: <http://www.tellmeoftheseasmovie.com>

و یا به آدرس زیر پیام بفرستید:

takevpro@yahoo.com

بنیاد سینمایی برداشت ۷

همجنس‌گرایی و چالش‌های پیش روی محافظه‌کاران

گفتگوی تلویزیونی رها با مهرداد درویش پور

با شکل گرفتن جنبش‌های مدافع حقوق همجنس‌گرایان در دهه ۶۰ میلادی، روند آشکارسازی گرایش جنسی نیز رو به رشد نهاد. این روند در

نهایت به اجتماعی شدن همجنس‌گرایی و خلق چالشی اساسی در مقابل باورهای سنتی و محافظه‌کارانه انجامیده است.

[این گفتگو را بشنوید](#)

enquiry / پرسش

با سلام چرا به ایمیل‌هایی که براتون فرستاده میشه پاسخ نمی‌دهید؟

نامه سرگشاده نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران و دانشگاهیان در آلمان در باره جنگ غزه

خطاب به اعضاء پارلمان آلمان
خطاب به اعضاء آلمانی پارلمان اروپا
خطاب به حکومت آلمان

از آغاز حمله اخیر ارتش اسرائیل به نوار غزه در تاریخ هشتم یولی ۲۰۱۴ تا به امروز (اول آگوست ۲۰۱۴) ۱۴۳۷ فلسطینی کشته و ۸۲۶۵ به شدت مجروح شده اند. اکثریت بزرگی از قربانیان تهاجم اسرائیل غیر نظامیان هستند که بسیاری از آنها زنان و کودکان می باشند.

Christopher Guinness سخنگوی UNRWA حمله ارتش اسرائیل به غیر نظامیان فلسطینی را به عنوان تعرض به حقوق بین الملل محکوم می کند.

ما نمیتوانیم در بمباران هدفمند بیمارستان ها، آمبولانس ها، محل های بازی کودکان و ساختمان هایی که از طرف سازمان ملل به عنوان پناهگاه برای غیر نظامیان مشخص شده بود، توسط ارتشی که به ادعای خود دقیقترین سلاح های مدرن را در اختیار دارد، چیز دیگری غیر از شدیدترین جنایات جنگی ببینیم.

از سال ۲۰۰۶ که منطقه غزه تحت تحریم قرار دارد، ۱،۸ میلیون ساکنین آن در تراکم شدید در بزرگترین زندان رو باز جهان، وابسته به کمک های سازمان ملل و سازمان های خیریه و همچنین تصمیم های اسرائیل برای اجازه ورود کالاهای حیاتی، زندگی می کنند. وضعیتی غیر قابل تحمل و غیر انسانی.

محاصره منطقه با دیوارها و استحکامات مرزی باعث شده است که غیر نظامی های محصور و زیر ساخت های حیاتی، بی هیچ پناهی مورد حمله ارتش اسرائیل قرار بگیرند. این نکته در حال حاضر بطور ویژه در خصوص مراقبت های پزشکی صادق است که وسیعا نابود شده اند، در حالیکه هزاران زخمی احتیاج به مداوا دارند. برای ما قابل درک نیست که حقوق اولیه فلسطینی ها و حفاظت آنها در مقابل حملات مسلحانه از اهمیت کمتری برخوردار است تا حفاظت از غیر نظامی های اسرائیلی.

اگر چه ارتش اسرائیل برای چندمین بار در یک تهاجم گسترده ساکنین غزه را مورد حمله قرار می دهد و مسئولیت مرگ و فلاکت بی پایان هزاران انسان را عهده دار است، این اعمال با کمک سلاح آلمانی، در چارچوب همکاری های نظامی، سیاسی و فرهنگی تنگاتنگ اسرائیل - آلمان نیز انجام می گیرند.

ما به عنوان فعالین فرهنگی در آلمان نمیتوانیم در این رابطه سکوت کنیم. ما قویاً از شما مسئولین و نمایندگان مجلس آلمان می خواهیم، از حقوق پایه ای و حفاظت مردم فلسطین دفاع کنید!

ما خواهان آن هستیم که شما - بخاطر همکاری های نزدیک با اسرائیل - از نفوذ قابل توجه خود استفاده کرده و به مسئولیت خود جامه عمل بپوشانید. جهت تحقق خواست های زیر مقامات تصمیم گیرنده فلسطینی را تحت فشار قرار دهید:

- خروج فوری و کامل ارتش اسرائیل از غزه و پایان بخشیدن قطعی به هرگونه حمله نظامی زمینی یا هوایی علیه غیر نظامیان

- لغو محاصره نوار غزه

- گشودن گذرگاه های مرزی غزه جهت ورود کالا، کمکهای امدادی و تردد انسانها

امضاء کنندگان:

UnterzeichnerInnen (wird fortgeführt):)

۱. Perceval, Luk – Theaterregisseur
۲. Ruzicka, Werner – Festivalleiter Duisburger Filmwoche
۳. Schulze, Ingo – Schriftsteller
۴. von Lehndorff, Vera – Schauspielerin, Modell und Performerin
۵. Neudeck, Rupert, Autor/Journalist
۶. Hagen, Nina – Sängerin / Schauspielerin
۷. Fischer, Erica – Autorin
۸. Grjasnowa, Olga – Schriftstellerin
۹. Dehm, Diether – Künstler und MdB
۱۰. Barthel, Lars – Kameramann
۱۱. Lechner, Geno – Schauspielerin
۱۲. Wolf-Schönburg, Stephan – Schauspieler / Regisseur
۱۳. Kamerun, Schorsch – Theaterregisseur
۱۴. Geipel, Ines – Schriftstellerin
۱۵. Arndt, Susan – Literaturwissenschaftlerin
۱۶. Beatt, Cynthia – Filmregisseurin
۱۷. Kaplony, Andreas – Islamwissenschaftler
۱۸. Berlinghof, Ursula – Schauspielerin
۱۹. Fliess, Ingo – Filmproduzent
۲۰. Bauer, Silvia – Kulturwissenschaftlerin, Kuratorin
۲۱. Ott, Peter – Filmmacher
۲۲. Atef, Emily – Regisseurin
۲۳. Neidhardt, Irit – Filmverleiherin
۲۴. Breysach, Barbara – Kulturwissenschaftlerin
۲۵. El-Qalqili, Pary – Regisseurin
۲۶. Kobolt, Katja – Kuratorin
۲۷. Lang, Norbert – Rundfunkautor
۲۸. Volland, Jette – Produzentin
۲۹. Schumann, Kai – Schauspieler

۳۰. Stelzner, Uli – Regisseur, Direktor des
 Menschenrechtsfestival Guatemala
 ۳۱. Schmalzbauer, Fritz – Politiker und Gewerkschafter
 ۳۲. Kempendorff, Uli – Jazzmusiker
 ۳۳. Al Jafari, Kamal – Regisseur
 ۳۴. Goehler, Adrienne – Kuratorin, Autorin und Senatorin a. D.
 ۳۵. de Velasco, Stefanie – Schriftstellerin
 ۳۶. Kaegi, Stefan – Theaterregisseur
 ۳۷. Elias, Hanin – Musikerin
 ۳۸. Veiheilmann, Julia – Autorin
 ۳۹. Steuer-v. Westphalen, Naomi – Filmemacherin
 ۴۰. du Plessis, Nancy – Filmemacherin
 ۴۱. Finzi, Sylvia – Künstlerin
 ۴۲. Goldbach, Jelena – Filmproduzentin
 ۴۳. El-Dabbas, Faten – Texterin, Performerin
 ۴۴. Kötter, Iris Anna – Journalistin
 ۴۵. Matthes, Sabine – Fotografin
 ۴۶. Roldan Mendivil, Eleonora – Politikwissenschaftlerin
 ۴۷. Özyurt, Çığır – Theaterpädagogin
 ۴۸. Bender, Dominik – Schauspieler
 ۴۹. Ludwig, Henning – attacChor
 ۵۰. Deeg, Sophia – Autorin
 ۵۱. Tarabay, Raymond – Schauspieler
 ۵۲. Wagner, Nina – Musikerin (The Unkindess of Ravens)
 ۵۳. Safoğlu, Aykan – Filmemacher
 ۵۴. Borchu, Uisenma – Filmemacherin
 ۵۵. van der Linden, Sabina Maria – Künstlerin
 ۵۶. Fathollah-Nejad, Ali – Politologe
 ۵۷. Simon, Helen – Filmemacherin
 ۵۸. Gruber, Gudrun – Filmemacherin
 ۵۹. Neumann, Marion – Filmemacherin
 ۶۰. Sandjon, Chantal-Fleur – Autorin
 ۶۱. Jung, Jürgen – Schauspieler
 ۶۲. Splisgar, Andrea – Performerin, Autorin, Filmemacherin
 ۶۳. Kesevoric, Tina – Schauspielerin
 ۶۴. Al-Rajab, Rami – Filmmusiker
 ۶۵. Ross, Moritz – Schauspieler

66. Azevedo Coe, Yvy Maraey – Musikerin
67. Hoel, Anniken – Filmemacherin
68. Wrobel, Uwe – Filmemacher
69. Bleyell, Carlos – Musiker
70. Burmeister, Dennis – DJ, Autor
71. Dittus, Sabrina – Filmemacherin
72. Bussfeld, Rebecca Charlotte – Theaterregisseurin
73. Scharbatke, Lucia – Filmproduzentin
74. Manns, Kami – Regisseurin
75. Zaengerle, Sissi – Schauspielerin
76. Haffenrichter, Petros – Musiker
77. Bischof, Lion – Filmemacher
78. Binder, Moritz – Filmemacher
79. Wermeling, Stefanie Antonia – Schauspielerin
80. Samide, Laura – Drehbuchautorin
81. Kahl, Oliver – Regisseur, Autor
82. Staab, Marcus – Schauspieler, Fotograf
83. Preisberg, Corinna – Regisseurin
84. Legner, Zeno – Kameramann
85. Effenberger, Bernd – Kameramann
86. Swobodnik, Sobo – Filmemacher, Schriftsteller
87. Kiehl, Daniela – attac-Chor
88. El Bulbeisi, Sarah – Kulturwissenschaftlerin
89. Aigner, Florian – Filmemacher
90. Kalhory, Narges – Filmemacherin
91. Krauss, Korinna – Schauspielerin, Filmemacherin
92. Golafashan, Alireza – Filmemacher
93. Tosato, Magali – Theaterregisseurin
94. Luque, Allia – Theaterregisseurin
95. Anasal, Suzan – Filmemacherin
96. Brandt, Nancy – Filmemacherin
97. Gómez Garrido, Nuria – Filmemacherin
98. Stübiger, Nadja – Schauspielerin
99. Rayyan, Alia – Kuratorin, Kulturwissenschaftlerin
100. Turan, Canan – Filmemacherin
101. Kurban, Suli – Regisseurin
102. Wingerath, Ricarda Alana – Künstlerin

103. Kaper, Karin – Filmemacherin
104. Hengel, Ruth – Schauspielerin
105. Holzheimer, Elena
106. Gökser, Sinem – Schauspielerin / Tänzerin
107. Richter, Marie Johanna – Schauspielerin
108. Gottschlich, Ayla – Filmemacherin
109. Bolick, Anne – Kamerafrau
110. Spath, Frank – Filmemacher
111. Eckardt, Hans-Eckart -Schauspieler
112. Ulud, Ümit – Filmproduzent
113. Franz, Mareike – Tänzerin
114. Schmelzle, Julia – Schauspielerin
115. Vazquez, Manoush – Schauspielerin
116. Witteborg – Hafaida, Melanie – Schauspielerin
117. Ebbing, Andrea
118. Schmidt, Heidi Anna
119. Menze, Astrid – Künstlerin
120. Martini, Alexandra – Schauspielerin
121. Hoban, Wieland – Komponist
122. Lassila, Nina – Künstlerin
123. Muresan, Carla – Kamerafrau
124. Acar, Tuncay – Kulturschaffender
125. Amin, Salwa – Dokumentarfilmerin
126. Tuckermann, Anja – Autorin
127. Mortazavi, Azar – Theaterautorin
128. Fruchtman, Ruth – Autorin
129. Micklitz, Isa – Filmemacherin
130. Özarslan, Asli – Filmemacherin
131. Deane, Raymond – Komponist, Schriftsteller
132. Torres, Catalina – Kamerafrau
133. Leuenberger, Sereina – Schauspielerin
134. Schade, Waltraud – Autorin
135. Bahra, Alice – Bildende Künstlerin
136. Bender, Larissa – Übersetzerin
137. Gerhard, Veronika – Künstlerische Leitung, Ballhaus Naunynstraße, Akademie der Autodidakten
138. Jorand, Sandrine, Featureautorin

۱۳۹. Kleinert, Paul Alfred – Schriftsteller, Herausgeber,
Übersetzer
۱۴۰. Bergfos, Hanna – Filmemacherin
۱۴۱. Frick, Johannes – Schauspieler
۱۴۲. Oral, Cem – Musiker
۱۴۳. Iranee, Samir L. – Sprachtrainer
۱۴۴. Can, Malte – Producer
۱۴۵. Jahn, Hartmut – Filmemacher
۱۴۶. Lipp, Thoralf – Filmemacher
۱۴۷. Aguirre, Dario – Filmemacher
۱۴۸. Brückner, Vera – Filmemacherin
۱۴۹. Meyer, Nora Lena – Künstlerin
۱۵۰. Byrne, Eileen – Filmemacherin
۱۵۱. Jaussi, Rirka – Schriftstellerin
۱۵۲. Schröder, Ariane – Drehbuchautorin
۱۵۳. Kühl, Yvonne – Filmproducer
۱۵۴. Mudra, Christiane – Schauspielerin, Regisseurin, Autorin
۱۵۵. Lewerenz, Anne Kathrin – Filmproduzentin
۱۵۶. Kallvretakis, Kostis – Schauspieler
۱۵۷. Assheuer, Christoph – Autor
۱۵۸. Martin, Barbara – Wiss.Dokumentarin
۱۵۹. Rassbach, Elsa – Filmemacherin
۱۶۰. Palmes, Lisa – Literaturübersetzerin
۱۶۱. Onyshchenko, Dario – Regisseurin
۱۶۲. Schadt, Lord – Schriftsteller
۱۶۳. Logares, Javier – Music Producer, DJ
۱۶۴. Delgado, Dan – Musiker
۱۶۵. Schlattner, Spomenka – DJ
۱۶۶. Al Bayaty, Leila – Musikerin, Filmemacherin
۱۶۷. Klemenz, Markus – Regisseur
۱۶۸. Spinelli, Nathalie – Regisseurin
۱۶۹. Ahangar, Kaveh – Rapper
۱۷۰. Urban, Daniela – Theaterpädagogin
۱۷۱. Umpfenbach, Christine – Theaterregisseurin
۱۷۲. Stiebert, Julia – Regisseurin
۱۷۳. Manzke, Dörte – Schauspielerin
۱۷۴. Haerdter, Michael – Autor/Kurator

175. O'Brien, Keith – Musiker
176. Karbe, Marianne – Journalistin
177. Langhorst, Insa – Filmemacherin
178. Luka, Mara – Schauspielerin
179. Younis, Anna-Esther, Akademikerin
180. Körner, Viva – Schauspielagentin
181. Bytyci, Hamze, Filmemacher
182. Schulz, Alexa Oana, Regisseurin / Autorin
183. Roenneberg, Pauline – Regisseurin / Autorin
184. Gerstner, Ákos – Autor
185. Wagner, Roland – Kameramann
186. Dallmeyer, Madeleine, Filmemacherin
187. Gupta, Christoph – Konzertveranstalter
188. Altfeld, Gudrun – Lektorin
189. Barth-Engelbart, Hartmut – Schriftsteller / Lyriker
190. Davidsson, Elias – Komponist und Menschenrechtler
191. Hoppe, Nora – Filmemacherin
192. Marzbaan, Tariq – Filmemacher
193. Zootzky, Gregor – Bildender Künstler
194. Schneider, David Tobias – Schauspieler
195. Efgpunk Rafael, Hagen – Musiker / Produzent
196. Börner, Jens Christian – Medizinstudent, eh. Filmemacher
197. Bräutigam, Volker – Publizist
198. Santamaria, Silvana – Autorin
199. Platzgumer, Hans – Schriftsteller / Musiker
200. de Hollanda, Roberto – Filmemacher und Übersetzer
201. Pocio – Verlegerin und Übersetzerin
202. Vaupel, Anne – Künstlerin / Kuratorin
203. Franck, Katharina (Rainbirds) – Musikerin / Texterin
204. Decker, Heribert – Publizist und Übersetzer
205. Bauer, Sascha – Musiker
206. Schmitz, Heiner – Fotograf / Künstler
207. Siegel, Marc – Filmwissenschaftler
208. Mortasawi, Amir – Autor
209. Kutsche, Vinzent – Redakteur / Autor
210. John, Katrin – Filmemacherin
211. Hendrickson, Daniel – Übersetzer

212. Jäger-Gogoll, Anne Maximiliane –
Literaturwissenschaftlerin
213. Basrawi, Claudia – Autorin
214. Werner, Lutz – Liedermacher
215. Tielsch, Thomas – Filmproduzent
216. Koettnitz, Maria – Leiterin Akademie für Autoren
217. Belakhdar, Christine – Übersetzerin
218. Tiedjen, Jörg – Redakteur / Journalist
219. Arendt, Erhard – Plastiker / Maler / Grafiker
220. Ben Hardouze, Sarah – Filmemacherin
221. Wirth, Maria – Künstlerin
222. Amin, Salwa – Filmproduzentin
223. Roesen, Ulrike – Kulturschaffende
224. Dresselhaus, Dirk – Musiker
225. Rick, Susanne, Lektorin
226. Mohr, Maria – Filmemacherin
227. von Berkholz, Elke – Lektorin
228. Groß, Martina – Journalistin
229. Savasci, Özgür – Sprach- und Literaturwissenschaftler
230. Sarrouh, Nadim – Musiker
231. Irshaid, Nabila – Künstlerin
232. Daga, Rocio – Kulturwissenschaftlerin
233. Khan, Naila – Choreografin
234. Hoffmann, Sibylle – Redakteurin
235. Nölle, Karen – Übersetzerin / Lektorin / Autorin
236. Schopohl, Eos – Schauspielerin
237. Rezinkoff, Jorinde – Stimmkünstlerin und Coach
238. Graf-Riemann, Lisa – Autorin
239. Kupfer, Dennis – Journalist / Filmemacher
240. McEwen, Isabelle – Theaterregisseurin und Künstlerin
241. Kleiner, Angélique – Kulturwissenschaftlerin
242. Morsbach, Momo – Bühnenbildner
243. Banuls, Sylvie – Dokumentarfilmerin
244. Polzer, Elena – Theaterproduzentin
245. Güvercin, Eren – Journalist
246. Josting, Cora – Übersetzerin, Autorin
247. Hensch, Traute – Verlegerin

248. Vakily, Robert – Editor / Cutter
249. Schottes, Christoph – Lektor
250. Schyle, Karin Angela – Kulturschaffende
251. Miklaw, Barbara – Lektorin / Verlegerin
252. Overbeck, Peter – Filmemacher und Maler
253. Illner, Steffen – Musiker
254. Plakoudakis, Theo – Schauspieler
255. Beer, Juliane – Schriftstellerin
256. Buchner, Roswitha – Journalistin
257. Drescher, Heike – Lektorin
258. Aslan, Emine – Soziologin
259. Rieckmann, Karin – Architektur / Städtebau
260. Köck, Thomas – Dramatiker
261. Bourja, Manuela – Grafikerin
262. Pudor, Katja – Malerin
263. Schneider, Jürgen – Übersetzer
264. Dashti, Mohsen – Autor
265. Fischbeck, Costanze – Künstlerin
266. Loi, Julie – Musikerin
267. Maiwald, Peter – Musiker
268. Pan, Lutzie – Autorin
269. Kolaczinski, Erika Anna – Karikaturistin
270. Rosenstein, Adeline – Theaterregisseurin
271. Opel, Franziska – Künstlerin
272. Tükel, Tuncay – Künstler
273. Borchardt, Albert – Künstler
274. Happel, Frank – Journalist
275. Müller, David – Schauspieler
276. Khani, Mina – Tänzerin
277. Kuebler, Marva – Synesthetic Artist
278. Morell, Steve – Musiker / Labelinhaber
279. Liebert, Wolfgang – Maler und Grafiker
280. Fischer, Kurt – Bildhauer
281. Glansschneider, Senne – Fotografin
282. Drigalski, Dörte – Autorin
283. Wilbert, Bilal – Medienkünstler
284. Bernstein, Judith – Dolmetscherin

285. Jürgensonn, Harald – Journalist und Autor
286. Rölfke, Stefanie – Autorin
287. Feuerherdt, Heidewig – Sprachdozentin
288. Prantner, Elisabeth – Modedesignerin
289. Groiss, Johann – Radiojournalist
290. Brenner, Manfred – bildender Künstler
291. Braun, Karin – Autorin
292. Klein, Susanne – Lektorin
293. Rinkes, Telma – Schauspielerin
294. Saller, Andreas – Journalist
295. Simanjutak, Boboy – Theater- und Filmwissenschaftler
296. Demmer, Joakim – Filmemacher
297. Demir, Juray – Künstlerin
298. Magnitz, Katrin – Animationskünstlerin
299. Schmaderer, Renate – Szenenbildnerin
300. Klatte, Carsten – Musiker
301. Hecht-Galinski, Evelyn – Publizistin
302. Baatz, Uta – Kostümbildnerin
303. Giebel, Norbert – Musikalienhändler
304. Neitzel, Harm – Künstler
305. Mustafa, Imad – Autor und Politologe
306. Etz, Alexander – Maler
307. Hager, Elisabeth R. – Schriftstellerin
308. Fliegenger, Michael – Künstler
309. Hiller, Hermann – Künstler
310. Wegener, Lisa – Übersetzerin
311. Martens, Andrea – Künstlerin
312. Kummer, Janne Nora – Theaterregisseurin
313. Attia, Maruan – Designer
314. Hamid, Amir – Kulturwissenschaftler
315. Ourvalova, Natalia – Filmemacherin
316. Diaz, Rui – Filmemacher
317. Spiess, Anke – Journalistin
318. Gouli, Houwaida – Musikerin und Komponistin
319. Fischer, Andreas – Sänger und Dirigent
320. Nicolaus, Christoph – Musiker und Kunstveranstalter
321. Kotthoff, Helga – Sprachwissenschaftlerin

322. Bahar, Alexander – Historiker und Publizist
323. Wilkerling, Maurice – Kameramann
324. Panjatan, Rita Sonal – Filmschaffende
325. Eichhorn, Holger, Musikwissenschaftler
326. Kirkegaard, Jacob – Künstler
327. Sergel, Ruth – Künstlerin
328. Blank, Georg – Journalist
329. Flade, Kristin – Theaterwissenschaftlerin
330. Amsalem, Irisi Hefets – Psychotherapeutin
331. Herdieckenhoff, Nikolaus – Musiker
332. Gallina-Baron, Fabienne – Filmemacherin
333. Sonogo, Leonora – Philologin
334. Wasilewski, Marie-Luise – Soziologin
335. Forst, Achim – Autor und Filmemacher
336. Sauerland, Annie – Filmproduzentin
337. Zoghiami, Soufian – Musiker
338. Rohlf, Ellen – Übersetzerin und Autorin
339. Al-Yousef, Jamila – Sängerin
340. Pier, Barbara – Malerin
341. Klein, Georg – Chorleiter und Kirchenmusiker
342. Hyprath, Dietrich – Fotograf
343. Heinzl, Sebastian – Filmemacher
344. Wagner, Frieder – Journalist und Filmemacher
345. Schneider, Detlev – Theaterwissenschaftler und Kurator
346. Zöllner, Siefried – Autorin
347. Strohmeier, Arn – Journalist und Autor
348. Wolf, Gesine – Journalistin und Autorin
349. Richter, Klaus D. – Bürgermeister a. D.
350. Waldheim, Andreas – Rockmusiker
351. Altshuler, Galit – Kunsttherapeutin
352. Schechter, Oded – Professor Jewish Thought & Philosophy
353. Melamed, Jodi – Autorin
354. Gösswald, Regina – Autorin
355. Scharwies, Susan – Familientherapeutin
356. Grabner, Stefanie – Schauspielerin
357. Roer, Ingo – Maler
358. Brand, Eliav – Komponist

359. Janssen, Gesine – Autorin
360. Döring-Kles, Helga – Bibliothekarin
361. Helow, Nadim – Performer (Blueman group)
362. Bartsch, Gregor – Filmeditor
363. Guth, Karin – Künstlerin
364. Wenzel, Gisela – Historikerin
365. Sommer, Michael – Psychologe
366. Hamburg, Eva – Bühnen- und Kostümbildnerin
367. Frank, Xenia – bildende Künstlerin
368. Lohse, Milo – Künstler
369. Mirak-Weissbach, Muriel – Autorin
370. von Grote, Georg – Journalist
371. Bostström, Herrat – Künstlerin
372. Klein, Hila – Künstlerin
373. Schiffmann, Annette – Fotografin und Kuratorin
374. Bäumlner, Marianne – Journalistin
375. Schrott, Peter – Gewerkschafter
376. Pohle, Thomas – Online-Redakteur
377. Ziemke, Lydia – Regisseurin
378. Kaplan, Sissi – Kuratorin
379. O'Connell, Susanne – Autorin
380. Naim, Raid – Übersetzer und Autor
381. Elias, Holger, Publizist und Verleger
382. Türeli, Volkan – Balhaus Naunynstraße
383. Kajimura, Masayo – Videokünstlerin
384. Stotz, Eva – Filmemacherin
385. Bredin, David – Schauspieler
386. Schumann, Uta – Designerin
387. Stadtegger, Laura – Künstlerin
388. Beckmann, Dennis – Sound Designer
389. Bendix, Daniel – Wissenschaftler und Bildungsreferent
390. Lehmann, Ulla – Filmproduzentin
391. Schedelbauer, Sylvia – Filmemacherin
392. Sauter, Irene – Bildjournalistin
393. Fakhuri, Maruan – Sozialpädagoge
394. Siebers, Antje – Regisseurin
395. Al-Jumaili, Diana – Autorin

396. Cain Külbel, Jürgen – Journalist
397. Friese, Julia – Designerin
398. Maakaron, Myrna – Filmemacherin / Schauspielerin
399. Schwickerath, Helmut – Künstler
400. Azzellini, Dario – Autor und Sozialwissenschaftler
401. Andersch, Norbert – Autor / Psychiater
402. Seker, Nimet – Journalistin und Islamwissenschaftlerin
403. Uranitsch, Iris – Kuratorin
404. Begemann, Almut – Pfarrerin
405. Strand, Jonni – Malerin
406. Luthardt, Matthias – Filmregisseur
407. Hammer, Ivo – Restaurator
408. Heißler, Sabine – Autorin / Lektorin
409. Krajci, Barbara – Künstlerin
410. Azarmandi, Mahdis – Autor
411. Drewes, Hartmut – Pastor
412. Bank, Charlotte – Kuratorin und Kunsthistorikerin
413. Hammer-Tugendhat, Daniela – Kunsthistorikerin
414. Zayd, Robert – Fotograf
415. Rienermann, Heike – Pfarrerin
416. Siassi, Jilla – Autor
417. Rosenkranz, Petra – Malerin
418. Kabalan, Nadia Johanne – Kunsthistorikerin
419. Kowasch, Fred – Filmemacher und Journalist
420. Taffere, Yeralem – Filmemacherin
421. Jett, Renate – Schauspielerin
422. Fronzeck, Klaus – Künstler und Arzt
423. Fuchs, Barbara – Kulturwissenschaftlerin
424. Weidner, Jasmin N. – Autorin